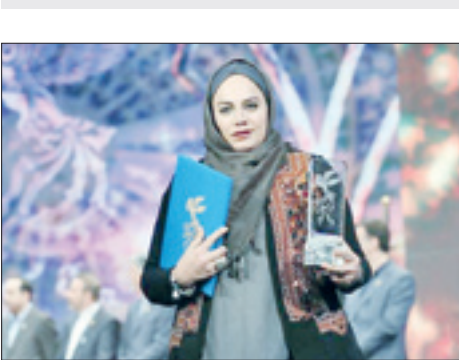


این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.



ان‌نازکنارنجی بودن بیرون‌بیا!

استاد شهید مرتضی مطهری(ره):
با نازک‌نارنجی بودن، انسان نه‌تنها بنده خدا که اصلاً انسان نمی‌شود؛ از نازک‌نارنجی بودن بیرون‌بیا! با نازک نارنجی‌گری آدم بنده خدا نمی‌شود، اصلاً انسان نمی‌شود؛ آدم نازک نارنجی انسان نیست. روزه می‌گیری سخت است، مخصوصاً چون سخت است بگیر! شنب می‌خواهی تا صبح احیا بگیری برای سخت است، مخصوصاً چون سخت است این کار را بکن! یک مدتی هم به خودت ریخ و سختی بده، خودت را تأدیب کن!
منبع: کتابال رسمی «بنیاد شهید مطهری(ره)» به‌استاد صفحه ۱۴۳ کتاب آزادی معنوی



واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به تلاش‌ها برای لغو عضویت نرگس آبیار در آکادمی اسکار

حضور یک زن ایرانی افتخاری است برای آکادمی اسکار

پس از اعلام عضویت نرگس آبیار، کارگردان شیار ۱۴۹ و ششی که ماه کامل شد، در آکادمی اسکار برخی جریانات تلاش به تهیه نامه‌ای کردند تا بدین وسیله اسکار را از این تصمیم منصرف کنند. این موضوع با واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی همراه بود.

ابراهیم داروغه‌زاده:

دعوت‌نامه خلم نرگس آبیار برای عضویت در آکادمی اسکار مایه‌بیاهت‌سینمای ایرانی است و البته افتخاری برای آکادمی اسکار، اگر خاتم آبیار پذیرند.

امیر تنها:

نرگس آبیار هنرمندیه که داخل کشور ایستاد و کارش را با قدرت تمام انجام می‌دهد و همین جا داخل ایران از زنان می‌گوید و مثل مسیح عزیزانه و فرشگرد پروژه بگیر نشده، برای همینم برانداز باید از عضویت نرگس آبیار در آکادمی اسکار حمایت کنیم.

اشکان مجللی:

هنر خاتم نرگس آبیار داستان گویی است، قصه‌های وی داستان زنان ستم کشیده این مرز و بوم در جنگ تحمیلی است. داستان مادران شهید و زنان ثور. حضور وی در آکادمی اسکار فرصت مغتنمی است جهت اشاعه صلح با ظرفیاتی زنانه.

امیر ناظمی:

ذهن کلیشه‌ای انسان‌ها را دست‌بندی و براساس آن او را ارزشیابی می‌کند، اما نرگس آبیار در کلیشه‌هایشان جا ندارد، دغدغه‌اش هم شهید است و هم حقوق زنان. تریک به او که خودش است و فراتر از کلیشه‌های ذهنی خلفانش ایستاده است.

حسین سپهوند:

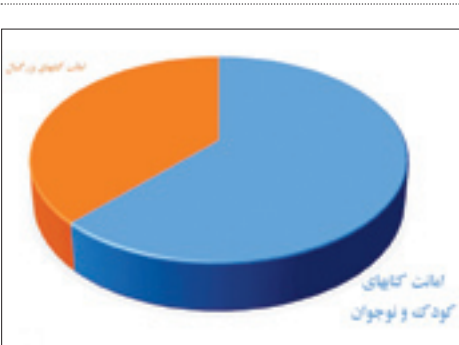
اینکه گروهی با گروهکی از خارج این مملکت بخواهند یک هنرمند دغدغه‌مند روزبزن امری غیرطبیعی نیست، موضوع اینجاست که این همه هنرمند و فعال رسانه‌ای - سینمایی تو این توییتر فعال هستند، راجع به همه اتفاقات عالم هم اظهار نظر می‌کنند، منتها ظاهر...

علی ابراهیمی:

آکادمی اسکار با تحقیق و بررسی سوابق افراد آنها را به عضویت خود در می‌آورد و اعتراض به انتخاب اسکار که آکادمی غیر ایرانی و معتبر است، تنها نشان دهنده غرض‌ورزی و ناراضیاتی از پیشرفت زنان ایرانی است.

دارانثاری:

کافی است یک بار فیلم‌های نرگس آبیار را ببینید تا به توانمندی‌های این کارگردان بزرگ پی‌ی برید. حضور این بانوی ایرانی در آکادمی اسکار چیزی جز غرور و افتخار برایمان ندارد. برایشان آرزوی موفقیت و سربلندی دارم. رو سبایش هم بماند برای امثال مسیح عزیزاندا!



این بزرگ‌ترهای کتاب‌خوان!

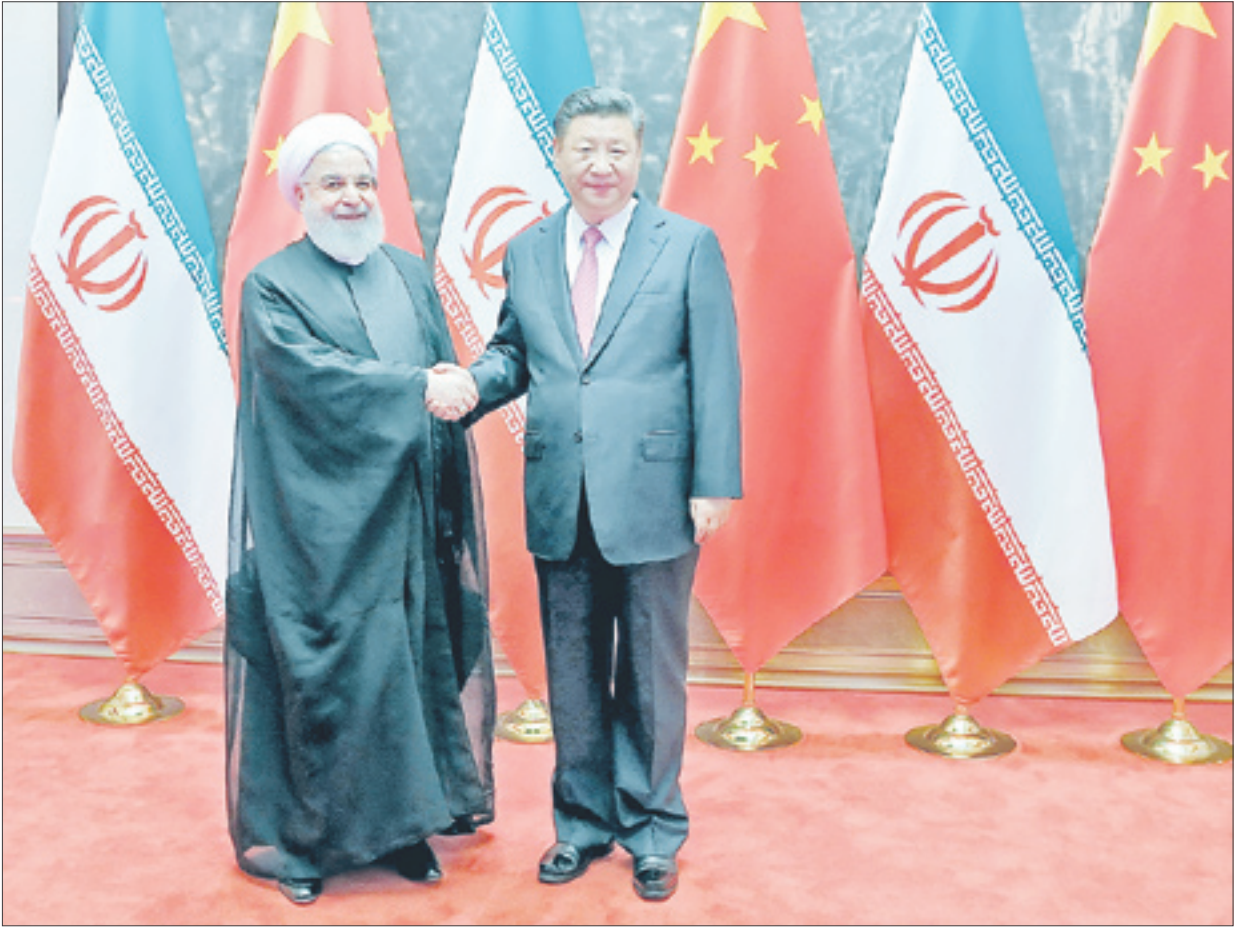
احسان رضایی، نویسنده و منتقد ادبی، با اشاره به آمار فوق‌نوشت: طبق آمار نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، سال ۱۳۹۸ مجموع کتاب‌های امانت‌گرفته از کتابخانه‌های عمومی ایران ۲۸میلیون جلد کتاب بوده که ۲۳میلیون نسخه‌اش کتاب‌های کودک و نوجوان بوده‌است. یعنی ۸۲ درصد از امانت کتاب برای بچه‌ها و نوجوان‌ها بود، در حالی که ۶۰درصد اعضای کتابخانه‌های عمومی را گروه سنی زیر ۱۸سال تشکیل می‌دهند. بیشترین میزان امانت کتاب‌های کودک هم متعلق به این مجموعه‌ها بوده: «دفتر خاطرات بچه لاغرمدنی» جف کینی، «قصه‌های من و بابام» اریش آزر و «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» مهدی آذرزدی.

جوان



گایبران

| روزنامه جوان | شماره ۵۹۷۲ | یکشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۹۹ | ۲۰ ذی‌العده ۱۴۴۱ |



واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به قرارداد ۲۵ساله با چین

جهان در گذار مهم

انتشار اخبار مربوط به انعقاد قرار داد ۲۵ساله با چین واکنش‌های فراوانی را در شبکه‌های اجتماعی برانگیخت. عده‌ی بسیاری با آنکه جزئیات کاملی جز متنی ۱۸ صفحه‌ای از این قرارداد منتشر نشده‌است، قرارداد با چین را فروش خاک ایران (!) می‌خوانند. این در حالی است که عمده کارشناسان اقتصادی و سیاسی این قرارداد را قرارداد مهمی می‌دانند که منافع ملی ایران را در شرایط تحریم تأمین خواهد کرد.

عبدالله گنجی:

هنوز یک بند از قرارداد ۲۵ساله ایران و چین را ندیده‌اند اما از سلطه، فروش کیش و... سخن می‌گویند علت نراحتی بی‌تر

شدن تحریم دشمنان از مسیر این قرارداد است. این جماعت اصرار بر رابطه گستردهٔ با جهان دارند اما منظور از جهان صرفاً غرب و پذیرش شروط آن برای عدول از هویت حقیقی انقلاب اسلامی است.

کبری خزعلی:

همان کسانی که در مقابل برجام به چه چه راه انداختند، اکنون دلواپس قرارداد با چین شدند و همراه رجوی و ربیع پهلوی به یاد وطن‌پرستی با طعم امریکا

افتاده‌اند. هر چند دولت باید به سمت شفافیت در مذاق تمام قراردادها برود، اما دم خروس وطن‌پرستی این افراد از پیش نمایان است.

محمد محمدی:

مردمی که برای ۲۰۰صفحه متن انگلیسی برجام که هرگز نخواندن جشن گرفتن،

تحلیل

جدیت در روزنامه‌نگاری؛ کالایی که کمتر یافت می‌شود



عیسی محمدی، روزنامه‌نگار، در کانال

تلگرامی «روزنامه‌نگاری جدید» نوشت:

یکی از بهترین فرمول‌های روزنامه‌نگاری که تا به حال آموخته‌ام و در دفتر چاه‌هم ثبت کرده‌ام و البته از تباطی هم به تکنیک‌های روزنامه‌نگاری ندار، یک‌نفرش روزنامه‌نگارانه است. این راه‌م از سیف‌رید قلمسی آموخته‌ام که ۱۵،۱۰سال پیش گمانم در مصاحبه باجام‌چم اشاره کرده بود. جایی که مصاحبه‌شونده از او می‌پرسد یک فرمول در دنیای روزنامه‌نگاری؟ او هم پاسخ می‌دهد که از میزان کسانی که در روزنامه‌نگاری جدی کار می‌کنند، کم می‌شود.

در واقع یک نمودار است. یعنی هر چقدر عدد جدیت در کار بالاتر می‌رود، به همان نسبت عدد فعالانی که با این جدیت کار می‌کنند، کم می‌شود. شاید ۹۰درصد فعالان روزنامه‌نگاری، نزدیک به ۲۰،۱۰درصد در کارشان جدی باشند. همین‌طور این عدد جلوتر می‌رود. در نهایت کسانی که ۸۰یا ۹۰درصد در کارشان جدی هستند، تعدادشان کمتر می‌شود، ۱۰درصد یا حتی بالاتر از این.

بدینست در این میانه جمله‌ای از نثرو کارنگی، میلیاردر بزرگ‌چنددهه گذشته امریکا و جهان را مرور کنیم. در جایی گفته بود که بیشتر آدم‌ها مقداری از وجودشان یا زندگی‌شان را برای کارشان می‌گذارند، اما عده‌ای دیگر نمی‌از وجودشان را برای کار می‌گذارند و باید به آنها احترام گذاشت، اما گروهی دیگر هستند که همه وجود و زندگی‌شان را برای کارشان می‌گذارند و دنیا بدینا به افتخار اینها، بايست و

و نگران وضعیت شرایط داخلی چین شده‌اند که دیروز نخوانده برای برجام جشن گرفتند، باوجود بد عهدی امریکایی‌ها، حاضر بودند برجام‌های ۲و ۳را نیز چشم بسته امضا کنند، اوپاما را مرید می‌خواندند، حاضر بودند شروط امریکایی‌ها برای دخالت در امور کشورمان تحت عنوان حقوق بشر را بپذیرند و حتی یکبار نیز حاضر نشدند در جریان مذاکرات برجامی‌شان، نسبت به سیاست‌های خصمانه امریکایی‌ها در منطقه (عراق، افغانستان، یمن، سوریه و...) لاف‌ل یک اعتراض خشک و خالی کنند تا مبادا به جناب کدخدیشان بخورد!

مهدی قاسم‌زاده:

قطعاً مخالفت امریکا با برنامه مشارکت راهبردی ایران و چین، نیاید دلیل و مجوزی برای تأیید بی‌چون و چرای این سند شود و باید در کنار بررسی دقیق آن در مجلس، افکار عمومی نیز نسبت به آن آفتاب شوند، اما جالب اینجاست همان جماعتی امروز داعیه‌دار #منافع_ملی

علی جعفری:

درباره قرارداد ۲۵ساله هم باید مراقب منافع ملی بود و هم افکار عمومی. نباید اینگونه تلقی شود که جمهوری اسلامی غرب‌ستیز و شرق‌دوست است. برای توافق برجام باید شرایط فنی با دقت رعایت

علی جعفری:

درباره قرارداد ۲۵ساله هم باید مراقب منافع ملی بود و هم افکار عمومی. نباید اینگونه تلقی شود که جمهوری اسلامی غرب‌ستیز و شرق‌دوست است. برای توافق برجام باید شرایط فنی با دقت رعایت

علی جعفری:

البته این نقل قول برای ۱۲،۱۰سال پیش بود. می‌گفت وقتی قوچانی از زندان آزاد شد، پیش ما آمد و گفت روزنامه بعدی را کی بزینم؟ به او گفتمش شما همین امروز از زندان آمده‌ای، چند روزی صبر کن. قوچانی هم جواب داده بود که ما روزنامه‌نگاریم، اگر هم نگذارند کارمان را بکنیم، حتی اگر شده یا یک روزنامه دیواری هم باید کارمان را پیش ببریم.

روزنامه‌نگار جدی از نظر من یعنی کسی که به روایت قوچانی، در این شغل از حیث مالی و فرهنگی و ذهنی به رضایت کامل برسد. نه اینکه هنوز بخشی از ذهنش پیش دنیای سینما و موسیقی و سلبریتی‌ها و سیاست و دولت و... باشد. نه اینکه به قول برخی از هنرمندان، روزنامه‌نگاری آکنده از هنرمندانی شکست خورده و عقیم مانده باشد که عقده‌های فرخورده‌ای دارند. او همه ذهن و روانش در این کار لبریز شده و به رضای کامل حرف‌های و فرهنگی و ذهنی می‌رسد. دیگر نیاز به تجربه‌ای در حوزه‌ای دیگر نداشته ندارد. یک روزنامه‌نگار جدی، در یک روزنامه یا مجله یا شبکه تلویزیونی باسایت کار می‌کند. اگر نشد، در یک سایت روزنامه‌نگاری، اساساً به اینجا آمده‌است تا راه را برای یک کار کارمندی و روابط عمومی بهتر پیدا کند و کار در جایی دیگر باز کند. در واقع برای آنها، روزنامه‌نگاری یک غایت نیست؛ یک مسیر است. آنها نمی‌خواهند روزنامه‌نگار بمانند و روزنامه‌نگار بمانند؛ آنها از بله‌ای به نام روزنامه‌نگاری می‌خواهند به سمت مقصد دلخواهشان بالا بروند. نمی‌دهد، دربراه‌اش فکر می‌کند. واقعاً فکر می‌کنید چند درصد روزنامه‌نگارانی چنین جدی داریم؟

پاورقی «جوان» از «اتاق حوادث» جان بولتون ترجمه: محمدصادق عبدالهی



هدف امریکا واقعاً مذاکره نیست!

۱۲۹ماه می، در راه سفر از توکیو به لندن جهت دیدار با دولت بریتانیا، در ابوظبی برای سوخت‌گیری مجدد و اندکی استراحت توقف کردیم. سعادت داشتیم که در آنجا با دوست قدیمی‌ام ولیعهد امارات، محمدبن زید ملاقات کنیم. او را سال‌ها بود که در کنار همنای اماراتی‌ام شیخ لحنون بن زید و دیگران می‌شناختم. ولیعهد چندین و چند بار تکرار کرد که نمی‌تواند به من بگوید که چقدر حضور من در آنجا مهم است و این حضور چه سیگنال بااهمیتی را به سراسر خلیج فارس می‌فرستد. او و اماراتی‌ها از اینکه ما به تحرک اخیر ایران پاسخ نمی‌دهیم و از آن طرف روزه‌روز موشک‌های حوثی‌ها و گروه‌های شبه نظامی شیعی در عراق زیاد می‌شود، ابراز نگرانی می‌کردند. همچنین از کمک‌های ایران به طالبان در افغانستان بسیار دلخور بودند. آنها همچنین چرایی درخواست ترامپ از آبه برای ماینجری میان امریکا و ایران را درک نمی‌کردند. من به شکل ناموفقی سعی کرده‌ام اید ترامپ را شرح دهم و بگویم که حرف زند از مذاکره واقعاً به معنای تمایل امریکا به گفت‌وگو با ایران نیست. ولیعهد و اعراب خلیج فارس با این کار موافق نبودند، مهم‌تر از همه اینکه خود ایران هم تمایلی به این کار نداشت. همه این کار را یک ضعف می‌دیدند. (در عمل، بعد از آنکه به لندن رسیدیم، مشاور امنیت ملی سعودی، مساعد بن محمد العیبان که من هرگز او را ملاقات نکرده بودم، خودش را به من رساند تا به من بگوید که ولیعهد وی، محمدبن سلمان، خواسته است که من بدانم چقدر آنها از سفر آبه به ایران ناراضی هستند. من از او خواستم که اگر ولیعهد فکر می‌کند، ممکن است شناسی بیشتر از من داشته باشد، مستقیماً با ترامپ تماس بگیرد.) من به سوی لندن رفتم، درحالی‌که به همان اندازه‌ای دلسرد بودم که در زمان اوپاما وقتی رهبران خاورمیانه یکی پس از دیگری می‌پرسیدند، چرا اوپاما فکر می‌کند ایت‌الله‌ها داوطلبانه از تروریسم و سلاح‌های هسته‌ای دست می‌کشند، دلسرد بودم.

بعد از دیدار با دولت بریتانیا، بریتانیایی‌ها و سپس فرانسوی‌ها میزبان ۷۵مین جشن‌های سالانه روز دی (اولین عملیات در جبهه نرماندی در جنگ جهانی دوم) شدند. بعد از جشن نورمندی، ما کرون ترامپ را به یک ناهار دعوت کرد که موضوع اصلی آن ایران بود. ما کرون بر ضرب‌الاجل ۸جولای ایران متمرکز بود. ایرانی‌ها به اروپایی‌ها اولتیماتوم داده بودند که فقط تا ۸جولای فرصت دارند که منافع اقتصادی ایران را که در برجام تعهد داده‌اند، تأمین کنند، وگرنه شروع به نقض محدودیت‌های کلیدی خواهند کرد. در اتحادیه اروپا چنین نقض‌هایی ممکن است نشانه‌ای بر مرگ توافق باشد. با این توصیف به نظر من ما کرون خواستار اقدام آبه بود. او می‌خواست بداند که قرار است ما چه امتیازی را به ایران بدهیم. ای‌امی خواهیم در تحریم‌ها تخفیفی لحاظ کنیم؟ از ایران چه می‌خواهیم؟ آیا خواستار کاهش فعالیت‌های نظامی در سوریه و یمن هستیم؟ ترامپ پس از توضیح دوباره تأثیر اعمال مجدد تحریم‌ها بر ایران، حرف را به نقض قانون لوگن از نسوی جان کری و تلاش او برای متقاعد کردن ایران برای عدم مذاکره با دولت ترامپ کشاند. منوچین گفت ما به راحتی می‌توانیم تحریم‌های مربوط به ایران را قطع بیا و صل کنیم، این واقعاً یک اشتباه در مسیر اثربخشی تحریم‌ها بود و کاملاًخلاف چیزی بود که ترامپ دراین باره گفته بود. او ممکن بود در این مسیر حرکت کند، اما منوچین منززل بود و واقعاً وقتی این حرف را زد یک لحظه فکر نکرد که اگر تحریم‌ها را برادریم چه پیامی به جهان مخابر می‌شود! حتی نرسید چه چیزی ما در این با پس کشیدن به دست می‌آوریم؟ ما کرون صریحاً گفت نگران رد قاطع درخواست مذاکره از سوی ایران است. من اما اطمینان داشتم چنین خواهد شد. به نظر من سراسر این گفت‌وگو یک فاجعه بود. سفر آبه به ایران به اندازه کافی بود و حالا ورود اروپایی‌ها به آن بدتر هم می‌کردا آنها برنامه‌ای متفاوت از ما داشتند و به جای اینکه بر حل اساسی مشکلات متمرکز باشند، می‌خواستند به هر قیمتی که شده است توافق هسته‌ای را نگه دارند. البته اگر ایران به اقدامات خصانه‌اش ادامه می‌داد و اهداف جدیدی ایالات متحده یا متحان ما را مورد اصابت قرار می‌داد، هر گونه پاسخ نظامی امریکا همه تلاش‌های بی‌روح دیپلماتیک زاینی‌ها و اروپایی‌ها را متوقف می‌کرد و این همان چیزی بود که موقتاً تصمیم من برای استعفا را به تأخیر می‌انداخت.

علی جعفری:



پیوست رسانه‌های نادرست شریک بحران کرونا

کانال تلگرای «تحلیل سیاسی و جنگ نرم» مطلبی را به قلم «ژها عبدالهی» منتشر کرد. در این مطلب می‌خوانیم:
حداقل پنج ماه است کرونا مهمان شهرهای ماست. در این چند ماه زیاد شنیده‌ایم از رعایت نکردن مسرده، از بی‌تفاوتی عده‌ای و اعتقاد دانشنشان به خط‌نکار بودن شرایط، بر گزاری میجاسل عروسی و ختم، استفاده نکردن از ماسک و... مردم رعایت نمی‌کردند و کرونا هر روز بیشتر جولان می‌داد تا امروز که رسیدیم به هر هفت دقیقه یک فوتی! آمار ی به شدت نگران کننده و تأسف بار! مردم رعایت نکردند؛ تدبیر مسئولان دقیق نبود؛ توزیع امکانات در برخی مناطق عادلانه نبود... اما یک سوزن هم به نقش و تقصیر مدیریت اطلاع‌رسانی بزینم، بد نیست! ما هر روز در خبر سیمما حضور سخنگو را داشتیم با یکسری آمار و ارقام و توصیه‌های کلاسی و البته دربراه بحران کرونا در کشورهای غربی، بعد از مدتی هم حتی

^[1] کانال تلگرای «تحلیل سیاسی و جنگ نرم» مطلبی را به قلم «ژها عبدالهی» منتشر کرد

^[2] حداقل پنج ماه است کرونا مهمان شهرهای ماست

^[3] در این چند ماه زیاد شنیده‌ایم از رعایت نکردن مسرده

^[4] از بی‌تفاوتی عده‌ای و اعتقاد دانشنشان به خط‌نکار بودن شرایط

^[5] بر گزاری میجاسل عروسی و ختم